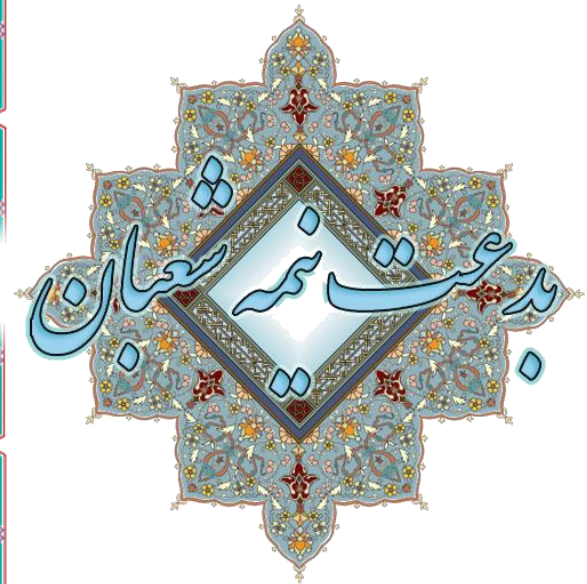


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله مباحث متفرقه ۳



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي أكمل لنا الدين و أتم علينا
النعمه، و الصلاة و السلام على نبيه و رسوله
محمد نبى التوبه و الرحمة. اما بعد:

خداوند متعال می فرماید:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده:3) «امروز دینتان را برایتان کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دینتان باشد.» و می فرماید: «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ» (شوری:21) «آیا آنها شرکائی دارند تا دینی را که خداوند به آن راضی نیست برایشان تشریع نماید.» و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» (متفق علیه) (هرکس در دین ما چیزی را که در آن نیست به وجود آورد مردود است.) و در صحیح مسلم از جابر - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در خطبه جمعه می گفت: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَخَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَالَّةٌ» (اما بعد

به درستی که بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین هدایت، هدایت محمد است و بدترین کارها چیزهای تازه ایجاد شده در دین می باشد و هر بدعتی گمراهی است.) آیات و احادیث در این زمینه بسیارند و آن

دلالت می کند بر اینکه پروردگار سبحان دین این امت را کامل نموده و نعمتش را بر آنها تمام کرده است و رسولش از حرکت باز نایستاد تا اینکه به صورت واضح و آشکار آن را بیان نمود و تمام چیزهایی را که خداوند بر این امت تشریع کرده است اعم از قول و عمل برای آنها بیان کرده و توضیح داده است که تمام چیزهایی را که مردم بعد از او در دین به وجود می آورند و آن را به دین اسلام نسبت می دهند، اعم از چیزهای گفتاری و کرداری همگی بدعت و به صاحبش برگردانده می شود هرچند قصدش هم نیکو باشد مردود است اصحاب رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و همچنین بعد از آنها عالمان اسلام آن را دانسته و به همین خاطر بدعت را انکار و مردم را از آن برحذر داشته اند؛ چنانکه تمام کسانی که در تعظیم سنت و انکار بدعت تألیف داشته اند مانند ابن وضاح و طرطوشی و ابن شامه و دیگران آن را بیان کرده اند.

از جمله بدعتهای بوجود آمده توسط بعضی از مردم بدعت برگزاری عید شب نیمه شعبان و روزه گرفتن روز آن است بر این کار دلیلی که بشود بر آن اعتماد کرد وجود ندارد در فضیلت آن احادیث ضعیفی وارد شده است چنانچه بسیاری از اهل علم در موردش خبر داده اند که بعضی از سخنان آنها را ان شاء الله در اینجا بیان می داریم، و همچنین آثاری از تعدادی از علمای سلف از اهل شام و کسانی دیگر نیز در این زمینه وارد شده است. ولی آنچه که جمهور علما بر آن هستند این

است که تبدیل کردن شب نیمه شعبان به عنوان عید، بدعت است و احادیث وارده در فضیلت آن همگی ضعیف و بعضی هم موضوعند. از جمله کسانی که در این زمینه هشدار داده اند حافظ بن رجب می باشد که در کتاب لطائف المعارف می گوید: "احادیث ضعیف تنها هنگامی که اصل آن به وسیله دلایل صحیح ثابت شده باشد در عبادات به آن عمل می شود در حالیکه تبدیل کردن شب نیمه شعبان به عید هیچ اصل صحیحی ندارد تا برای انجام آن به احادیث ضعیف عمل نمود." این قاعده مهم را ابوالعباس شیخ الاسلام ابن تیمیه بیان کرده است. خواننده گرامی آنچه را اهل علم در این زمینه بیان داشته اند را من برای نقل می کنم تا در این مورد شناخت و معرفت لازم را بیابید. علماء رحمهم الله در این مسئله اجماع کرده اند که واجب است آنچه را مردم در آن دچار نزاع و اختلاف می شوند به کتاب خدا و سنت رسولش - صلی الله علیه و سلم - برگرداند و آنچه هر دو (کتاب و سنت) یا یکی از آنها به آن حکم کند همان شرع است و واجب است از آن تبعیت شود و چیزی که با آن مخالفت می کند، واجب است دور انداخته شود. هر چه در کتاب و سنت به عنوان عبادت بیان نشده، بدعت است و نباید به آن دعوت کرد و به انجام دادنش اقدام نمود همانگونه که خداوند سبحان در سوره نساء می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ای کسانی که

ایمان آورده اید خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید. و در سوره شوری می فرماید: ﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ﴾ و اگر در چیزی دچار اختلاف شدید حکمش را به خداوند برگردانید. و در سوره آل عمران می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ بگو اگر شما خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و از گناهانتان درگذرد. و باز می فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (قسم به پروردگارت ایمان ندارند تا تو را در مشاجرات بین خود حاکم قرار ندهند آنگاه در دل خویش نسبت به قضاوت تو دلتنگی نمایند و به آن تسلیم باشند). آیات در این معنی بسیار زیادند و نص صراحتهاً به برگشت دادن مسائل اختلافی به کتاب و سنت و واجب بودن رضایت به حکم آن دو اشاره می نماید و این کار مقتضای ایمان است و در دنیا و آخرت برای بندگان موجب خیر و سرانجام نیکو است. حافظ بن رجب در کتابش موسوم به لطائف المعارف در این مورد بعد از کلامی که قبلاً از او نقل کردیم می گوید: "شب نیمه شعبان را جمعی از تابعان اهل شام چون خالد بن معدان و مکحول و لقمان بن عامر و دیگران، بزرگ داشته اند و در آن مشغول عبادت می

شدند؛ فضیلت و بزرگداشت آن شب را مردم از آنها آموختند و گفته شده که بعضی از اسرائیلیات در آثار، آنها را به آن کار واداشته است. هنگامی که این کار توسط آنها در شهرها منتشر گشت مردم در آن دچار اختلاف شدند بعضی آن را قبول کردند و در تعظیم و بزرگداشت آن با آنها موافقت نمودند که از آن جمله گروهی از زاهدان اهل بصره و دیگری غیر از آنها می باشند ولی بیشتر عالمان حجاز چون عطاء و ابن ابی ملیکه و عبدالرحمان بن زید بن اسلم از فقهای مدینه آن را انکار نمودند و این انکار قول اصحاب مالک و دیگران نیز می باشد و گفته اند همه این کارها بدعت است. اما علمای شام در چگونگی بزرگداشت آن شب بر دو رأی اختلاف کردند. اولی بر آن بود که به صورت جماعت در مسجد مستحب است آن را احیا نمود چنانکه خالد بن معدان و لقمان بن عامر و دیگران در آن شب زیباترین لباسها را می پوشیدند؛ سرمه به چشم می زدند و با شادی و سرور در مسجد حضور می یافتند و آن شب را در مسجد به عبادت می پرداختند که اسحاق بن راهویه در این کار با آنها موفق است و در مورد قیام کردن به صورت جماعت در آن شب می گوید: بدعت نیست که این را حرب کرمانی در مسائلش از او نقل کرده است. دومی اجتماع نمودن در مسجد را برای انجام نماز، قصه و دعا کردن مکروه می دانست ولی نماز خواندن فردی را که شخص برای خود انجام دهد را مکروه نمی

دانستند و این نظر قول اوزاعی امام اهل شام و فقیه و عالیشان می باشد و این یکی ان شاء الله همان مورد نزدیک به حق است. از امام احمد در مورد شب نیمه شعبان کلامی در دست نیست. در مورد مستحب بودن قیام جماعتی در آن شب دو روایت از او نقل شده است در یکی از آن دو قیام جماعتی را مستحب و در دیگری به خاطر عدم نقل از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و اصحابش آن را مستحب نمی دانند.

عبدالرحمن بن زید بن اسود که از تابعین بود آن را انجام می داد. بنابراین در مورد قیام شب نیمه شعبان چیزی از طریق رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و اصحابش نقل نشده است ولی از جمعی از تابعین که از جمله بزرگان اهل شام بوده اند روایت گردیده است هدف و مقصود از کلام حافظ بن رجب در اینجا به اتمام رسید.

در سخنان حافظ بن رجب تصریح شده است به اینکه از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و اصحابش - رضی الله عنهم - در مورد شب نیمه شعبان هیچ چیزی ثابت نشده است و آنچه را اوزاعی در مورد مستحب بودن قیام در آن شب برای فردی و جمعی و آنچه را که حافظ بن رجب در این مورد اختیار کرده چیزی غریب و ضعیف است چون هر چیزی مشروع بودنش به وسیله دلایل شرعی ثابت نشده باشد برای هیچ مسلمانی جایز نیست که آن را به عنوان دین و جزء آن به صورت جماعت یا افراد، پنهانی باشد یا آشکار ایجاد

نماید چون فرموده رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در این زمینه عام است: «مَنْ عَمَلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» (هر عملی که امر ما بر آن نباشد آن کار مردود است.) و دلایل دیگر همگی دلالت بر انکار بدعت و تحذیر از آن را می نمایند. امام ابوبکر طرطوشی در کتابش موسوم به الحوادث و البدع می گوید: ابن وضاح از زید بن اسلم روایت می کند که گفته است: «ما أدرکنا أحدا من مشيختنا و لا فقهاءنا يلتفتون إلى النصف من شعبان، و لا يلتفتون إلى حديث مكحول، و لا يرون لها فضلا على ما سواها» [از اساتید و فقهای خودمان کسی را نیافتیم که به نصف شعبان و حدیث مکحول التفات و توجهی بنماید و فضیلتی برای آن به نسبت شبهای دیگر قائل نبودند.] به ابن ملیکه گفته شده: زیاد نمیری می گوید: «إن أجر ليلة النصف من شعبان كأجر ليلة القدر» [پاداش شب نیمه شعبان چون پاداش شب القدر است.] در جواب گفت: «لو سمعته و بیدی عصا لضربه» [اگر این سخن را از او بشنوم و در دست من عصایی باشد با آن او را می زنم.] زیاد قیاس کرده است. علامه شوکانی در الفوائد المجموعه می گوید: «حدیث: (یا علی من صلی مائة ركعة ليلة النصف من شعبان یقرأ فی کل ركعة بفاتحة الكتاب و قل هو الله أحد عشر مرات قضی الله له کل حاجة) إلخ و هو موضوع» [ای علی هر کس یکصد رکعت نماز در شب نیمه شعبان بخواند و در هر

رکعتش سوره حمد و احد را ده بار تکرار نماید هر حاجتی داشته باشد خداوند برایش مقدر می گرداند. این حدیث موضوع و ساختگی است.] و بعد می فرماید: در الفاظ این حدیث که تصریح به پاداش و ثواب می کند که انسان به آن می رسد؛ برای انسانی که قدرت تشخیص داشته باشد شکی در ساختگی آن باقی نمی ماند. رجال آن مجهولند و این حدیث از طریق دوم و سوم نقل شده و همگی موضوع و ساختگی می باشند و راویانش مجهول و گمنامند. و در المختصر می گوید: حدیث نماز نیمه شعبان باطل است و حدیثی را هم که ابن حبان از علی روایت می کند که: «إذا كان ليلة النصف من شعبان فقوموا ليلها، و صوموا نهارها» (هرگاه شب نیمه شعبان فرا رسید شب آن را با قیام و روزه را با روزه بگذرانید.) ضعیف می باشد و می گوید: آنچه هم در اللآلی آمده: «مائة ركعة فی نصف شعبان بالإخلاص عشر مرات» مع طول فضله، للدیلمی و غیره موضوع [یکصد رکعت در نیمه شعبان همراه با سوره اخلاص ده بار در هر رکعت همراه با فضیلت طولانی که برایش نقل می کند. دیلمی و دیگران آن را آورده اند و موضوع می باشد.] و اکثریت قریب به اتفاق طریقه سوم روایت حدیث، مجهول و گمنام و جزء ضعفاء در حدیث می باشند. بعد می گوید: دوازده رکعت نماز همراه با سوره اخلاص که سی بار تکرار شود موضوع و ساختگی است و چهارده رکعت در آن نیز موضوع و ساختگی

می باشد. جماعتی از فقهاء چون صاحب احیاء علوم الدین و دیگران و همچنین بعضی از مفسران فریب این احادیث ساختگی را خورده اند. نماز در شب نیمه شعبان به روایتهای مختلف و متعددی بیان شده است که همگی آن باطل و موضوع می باشند و این موضوع با روایت ترمذی از عائشه که رفتن پیامبر - صلی الله علیه و سلم - به بقیع و نازل شدن پروردگار در شب نیمه شعبان به آسمان دنیا را بیان می نماید که خداوند در آن بیشتر از تعداد موهای گله بنی کلب را می بخشد منافاتی ندارد چون بحث در مورد نماز ساختگی در آن شب می باشد و از آن گذشته حدیث عائشه نیز دارای ضعف و انقطاع می باشد همانگونه که حدیث علی که قبلاً در مورد قیام شب برگردید چنان بود و به هر حال منافاتی با ساختگی بودن نماز در آن شب ندارد گرچه همانگونه که بیان کردیم دارای ضعف است.

حافظ عراقی می گوید: حدیث نماز شب نیمه شعبان ساختگی و دروغ است که به رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نسبت داده اند و امام نووی در کتاب المجموع می گوید: نماز معروف به صلاة الرغائب که دوازده رکعت است که باید در بین نماز مغرب و عشاء در اولین جمعه ماه رجب خوانده شود و نماز شب نیمه شعبان که یکصد رکعت است، هر دو بدعت و منکرند و نباید فریب آن را خورد که در کتابهای قوت القلوب و احیاء علوم الدین و یا احادیثی که در آنها در این

زمینه آورده شده اند به درستی که همه آنها باطل می باشند و همچنین نباید فریب این را خورد که بعضی از امامان در مورد آن دو نماز دچار اشتباه شده و چند ورقی را در مورد مستحب بودنش نگاشته اند. آنها در این زمینه دچار خطا گشته اند.

شیخ امام ابو محمد عبدالرحمن بن اسماعیل مقدسی کتاب گرانمایه ای را در رد آن دو نماز نگاشته و در آن حق مطلب را ادا کرده است. و کلام اهل علم در این زمینه به حقیقت بسیار زیاد است و اگر بخواهیم همه مطالبی را که بر آن آگاهی یافته در این زمینه بیان داریم سخن به درازا می کشد و شاید همین اندازه که بیان کردیم برای کسی که خواهان حقیقت است باعث قناعت باشد.

از آنچه که گذشت از مجموع آیات و احادیث و سخنان اهل علم برای کسی که طالب حق باشد روشن گردید که برگزار کردن شب نیمه شعبان به صورت جشن در قالب نماز خواندن و یا مسائل دیگر و اختصاص دادن روزش به روزه گرفتن بدعت و منکر است و فاقد هر گونه اصلی در شرع مطهر است و از جمله چیزهای ایجاد شده در دین بعد از عصر اصحاب می باشد فرموده خداوند متعال که می فرماید: ﴿أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ (مائده: 3) «امروز دینتان را برایتان کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم.» و آیاتی که در این زمینه وارد است و

همچنین فرموده رسول الله - صلی الله علیه و سلم - که می فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» (متفق علیه) (هرکس در دین ما چیزی را که در آن نیست به وجود آورد مردود است.) احادیثی که در این معنی وارد شده اند برای کسی که خواهان حق باشد کفایت می کند چنانکه در صحیح مسلم از ابوهریره روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود: «لَا تَخْتَصُّوا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِقِيَامٍ مِنْ بَيْنِ اللَّيَالِي وَلَا تَخْصُّوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِصِيَامٍ مِنْ بَيْنِ الْأَيَّامِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي صَوْمٍ يَصُومُهُ أَحَدُكُمْ» (شب جمعه را در بین شبها به قیام برای نماز خواندن اختصاص ندهید و روز جمعه را در بین روزها به روزه گرفتن مختص مگردانید مگر اینکه داخل روزه ای قرار گیرد که یکی از شما در صدد انجامش برمی آید.) چنانکه کسی روزه کفار و یا نذر و امثال اینها بگیرد. (مترجم)

اگر جایز بود در بین شبها شیئی را به عبادت اختصاص بدهند شب جمعه شایسته تر به آن بود چون به نص فرموده رسول الله - صلی الله علیه و سلم - روز جمعه بهترین روزی است که خورشید در آن طلوع نموده است و حال که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - از اختصاص دادن شب جمعه به قیام کردن نهی می کند، می رساند که مختص کردن شبهای ایام دیگر به طریق اولی جایز نمی باشد مگر اینکه دلیل صحیحی مبنی بر تخصیص آن وجود داشته باشد. آن هنگام که

قیام کردن و عبادت در شب قدر و باقی شبهای رمضان
تشریع گردید رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آن را
ابلاغ و امت را بر آن تشویق و شخصاً به انجام آن
مبادرت فرمود. چنانکه در صحیحین از رسول الله -

صلی الله علیه و سلم - روایت است که فرمود: «مَنْ
قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ
ذَنْبِهِ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (هرکس شبهای رمضان را با

عبادت و شب لیلة القدر را با قیام سپری نماید در
حالیکه مؤمن است و قصدش پاداش پروردگار باشد
گناهان قبلی وی بخشیده می شود.) و اگر شب نصف
شعبان یا اولین جمعه از رجب یا شب معراج به عید و
برگزاری مراسم خاصی اختصاص می یافت رسول الله -

صلی الله علیه و سلم - امت را به آن راهنمایی می کرد
یا اینکه خود به آن اقدام می نمود و در صورتی که
چیزی از آن موارد روی می داد اصحاب آن را به امت
می رساندند و آن را از آنها پنهان نمی داشتند چون آنها
بهترین مردم و خیرخواه ترین آنها بعد از پیامبران علیهم
الصلوة والسلام و رضی الله عن اصحاب رسول الله و
ارضاهم بودند و در طول این بحث از طریق سخنان
علماء بر ایمان روشن گردید که در این مورد چیزی از
رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و از اصحابش -
رضی الله عنهم - در فضیلت شب اولین جمعه ماه رجب
و شب نیمه شعبان وارد نشده است و دانسته شد که
برپایی هرگونه مراسمی بدین مناسبت بدعت و جزء

امورات ایجاد شده در اسلام است بنابراین نباید آن
شبها را به انجام عباداتی اختصاص داد و همچنین شب
بیست و هفتم رجب که در مورد آن بعضی معتقدند
شب اسراء و معراج می باشد نباید آن را تبدیل به عید
و یا به چیزی از عبادات اختصاص داد و دلیل آن همان
توضیحاتی است که بیان شدند و این در صورتی است
که بنا را بر صحت آن بگیریم در حالیکه صحیح از قول
علمای این است که زمان آن معلوم نیست و سخن کسانی
که آن را به بیست و هفتم رجب اختصاص می دهند
باطل و فاقد هرگونه اصلی در احادیث صحیح می باشد
چه بسیار زیبا گفته شده:

**خير الأمور السالفات على الهدى..... و شر
الأمر المحدثات البدائع**

بهترین کارها اموراتی است که از اول بوده و باعث
هدایت می باشند و بدترین کارها چیزهای تازه ایجاد
شده و بدعتی هستند.
از پروردگار متعال خواهانم که ما و سایر مسلمان را
برای تمسک جستن به سنت و پایداری بر آن و پرهیز از
هر آنچه مخالف آن است موفق بدارد که او بخشنده و
بزرگوار است.

**و صلى الله و سلم على عبده و رسوله نبينا
محمد و على آله و صحبه أجمعين**

مؤلف: شیخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز